

# Reinterpreting the concept of joiner in the architecture of the interspaces of mosques (Shia) built in the Safavid period of Isfahan city

1. Pegah Shirazpour

2. Farah Habib\*

3. Nasim Ashrafi

1. PhD student in Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: frh\_habib@yahoo.com Received: 30.03.2023 Acceptance: 17.11.2023

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history*

eISSN: 2980-9770  
<http://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 3, Pp: 160-190  
Autumn 2023

**Original research article**

## How to Cite This Article:

Shirazpour, P., Habib, F., & Ashrafi, N. (2023). Reinterpreting the concept of joiner in the architecture of the interspaces of mosques (Shia) built in the Safavid period of Isfahan city, *spsich*, 2(3): 160-190.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

Some principles have been and are in the universe from eternity; and since they are fixed and unchangeable, you should try to make them appear. One of these principles, which is considered part of this world, is the subject of "intermediateness". The current research was conducted with the aim of rereading the concept of connection in the architecture of the interspaces of (Shia) mosques built in the Safavid period of Isfahan city with a qualitative-quantitative (mixed) method. The results showed that in this research, in order to achieve true knowledge, the interspace has been considered from two perspectives; One as the quality and state of "in between", being similar in worlds such as "Purgatory" and "Imagination" or experiencing times such as "dawn and sunset" which are an introduction to the next places and an end to their previous places. An "ambiguous" experience of the boundary between visible and hidden, visible and invisible, known and unknown, as if it carries some of the properties of before and after and is considered a place to transform into its before and after situations. From another

point of view, what the mystics in "Sir Vesluk" refer to as "approach" with the motive of "joiner ". According to the mystics, "abandoned man" is incomplete and his completion depends on "joiner". As Ibn Arabi "considers becoming a human being to be connected" and closeness is the same as servitude. Therefore, man is inherently a creature "on the way" and the condition of his perfection is "on the way of being" with the goal of reaching the goal; This road has an origin, a home, a direction and a destination, which can be read in architecture as well.

**Keywords:** Joiner, interspaces, Shiite mosques, Safavid period, architecture.

# بازخوانی مفهوم وصال در معماری فضاهای بینابینی مساجد (شیعی) ساخته شده در دوره صفوی شهر اصفهان

پگاه شیرازپور<sup>۱</sup>  
فرح حبیب\*<sup>۲</sup>  
نسیم اشرافی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۲. استاد گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۳. استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

frh\_habib@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی  
تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۸۹۰

http://journalspsich.com

دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۱۶۰-۱۹۰

تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(شیرازپور و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

شیرازپور، پگاه، حبیب، فرح، و اشرافی، نسیم. (۱۴۰۲). بازخوانی مفهوم وصال در معماری فضاهای بینابینی مساجد (شیعی) ساخته شده در دوره صفوی شهر اصفهان. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۳): ۱۶۰-۱۹۰.

## چکیده

برخی از اصول در عالم هستی از ابد تا ازل بوده و هست؛ از آنجا که ثابت و غیر قابل تغییر هستند، باید برای پدیدار شدن آن‌ها کوشید. یکی از این اصول که جزئی از این عالم شمرده می‌شود، موضوع "بینابینی" است. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی مفهوم وصال در معماری فضاهای بینابینی مساجد (شیعی) ساخته شده در دوره صفوی شهر اصفهان با روش روش، کیفی - کمی (آمیخته) انجام شد. نتایج نشان داد که فضای بینابینی در این تحقیق جهت دستیابی به شناخت حقیقی‌اش، از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی به مثابه کیفیت و وضعیت "در میان"، مشابه بودن در عوالمی چون "برزخ" و "خیال" و یا تجربه‌ی زمان‌های چون "سحر و غروب" که مقدمه‌ای برای مکان‌های بعدی و پایانی برای مکان‌های قبلی خود هستند، تجربه‌ای "ابهام‌انگیز" حد فاصل پیدا و پنهان، مرئی و نامرئی، شناخته و ناشناخته، که گویی قدری از خواص قبل و بعد را به همراه داشته و جایگاهی برای تبدیل به وضعیت‌های قبل و بعد

خود به حساب می‌آیند. از منظر دیگر، آنچه عرفا در "سیر وسلوک" از آن به "تقرب" با انگیزه‌ی "وصال" یاد می‌کنند. نزد عرفا، "انسان مهجور"، ناقص است و کامل شدنش در گرو "وصال" است، همچنان که ابن عربی "انسان شدن را واصل شدن می‌داند" و تقرب را عین عبودیت. بنابراین انسان به صورت ذاتی، موجودی "در راه" است و شرط کمالش، "در راه بودگی" با هدف وصول به مقصود است؛ این راه مبداء، منزل، جهت و مقصدی دارد که می‌توان نمود آن را در معماری نیز بازخوانی کرد.

**کلیدواژه‌ها:** وصال، فضاهای بینابینی، مساجد شیعی، دوره صفوی،

معماری.

### مقدمه و بیان مسئله

موضوع بینابینی در راستای دست یافتن به برخی از کیفیت‌ها در معماری بررسی می‌شود که عدم توجه به آن تاثیر بدی در حوزه‌ی تحدیدهای مکانی، گذار از بیرون تا درون معماری و توجه به "درون" و پیوند آن با "بیرون" را به همراه دارد. نتایج حاصل از بی‌توجهی به این مهم در معماری، از بین رفتن مرزها و لبه‌های مکانی، کیفیت حداقلی اجزا و فضاهای میانی بنا در حد فاصل بیرون و درون و... از این دست آشفتگی‌هاست. (گنون، ۱۳۹۲: ۴-۵)

از آن‌جا که مطابق آرای حکما "انسان عالم صغیر است یا عالم انسان کبیر است" معلوم می‌شود که مراتب عالم با مراتب آدمی مشابه است. در یک سلسله مراتب طبق این تشابه، می‌توان گفت معماری نیز به عنوان ظرف تحقق زندگی آدمی در این عالم، بایستی تابعی از مراتب وجود آدمی باشد. گذار، یکی از مراتب وجود آدمی است پس وجود بینابینی در معماری نیز ضرورت دارد. (حجت، ۱۳۸۲: ۶۵)

بشر امروزی با قائل شدن فطرت و پررنگ کردن آن به نهاد خویش نزدیک می‌شود. حضرت رسول (ص) می‌فرماید: "كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ" هر مولودی بر فطرت (توحید) زاده می‌شود. فطرت قوه‌ای برای فهم، سنجش، حکم راندن و گرایشی تغییرناپذیر، جدایی‌ناپذیر و مشترک بین همگی انسان‌ها به سوی تکامل -هدف خدامدار ایشان- است. (ضیائیان، ۱۳۸۶: ۶۶) نهاد انسان تعبیری است که لویی کان از مفهوم فطرت ارائه می‌دهد که از نظر مهدی حجت معادل فطرت در تفکر اسلامی است. یعنی اموری که به ناگاه برای انسان پدیدار نمی‌شوند بلکه ذاتا در تعریف انسان آن را دارند. یعنی آن چیزی که در مجموعه‌ی انسان‌ها مشترک است. (حجت، ۱۳۹۴: ۷۱) یکی از این امور مهم فطری، "حقیقت‌جویی"، "تقرب" و به تبع آن "رهرو بودن" آدمی است. از نظر شولتز «شهود سنتی که انسان زنده را "انسان رهرو" می‌دانست، در این‌جا معنی پیدا می‌کند. استاد مطهری اموری از جمله حقیقت‌جویی، خیر اخلاقی، خلاقیت، ابداع، عشق و پرستش را از نمونه فطریات در بعد روحانی آدمی تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۶۹). برای جهان پویای مدرن، کشف استلزامات این بعد بشری "انسان دارنده‌ی فطرت" ضروری است.» (کریستیان نوربرگ شولتز، حضور زبان و مکان: ۳۱) وقتی بشر امروزی خود را فطرتا "رهرو" نداند، "راه، جهت‌مداری و آرمان‌خواهی" هم معنی‌اش را از دست می‌دهد.

اساسا زیست ماشینی در دنیای امروز، که با نفی مراتب عالیه و تاکید بر خردگرایی، شتاب‌زدگی و تعجیل را جایگزین اندیشه و درنگ کرده است از اساس با موضوع بینابینی که فرصتی برای «مهیا شدن» و تفکر است در تضاد است. مبنای فلسفه‌ی خردگرا نفی هرگونه مبدا عالی‌تر از عقل است و

نتیجه‌ی عملی آن کاربرد عقل است. وقتی عقل به خود تاویل می‌شود، ناگزیر است همه چیز را «به ماده، معنی متداول این کلمه مبدل کند.» یعنی در همه‌ی امور تنها سطحی‌ترین حالات آن را در نظر بگیرد. زیرا این حالاتی است که در آن کیفیت به سود کمیت به حداقل خود رسیده است (رنه گنون، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

راه آگاهی از عالم حواس که از «بیرون» و به یاری حواس ظاهری است، بشر امروز را بر آن داشته است تا «ظاهر را به باطن»، «صورت را به معنا» و «مفهوم را به راز» و «بی‌توجهی را به جهت‌مداری» ترجیح دهد. قرن بیستم نگاه خود را به جهانی بی‌راز فرود می‌آورد (شایگان، ۱۳۸۷: ۲۵۷). در دوره‌ی جدید، عقل نظری جایگزین وحی الهی می‌شود و اسرار ازلی که اساس هرگونه تفکر دینی و تمثیلی محسوب می‌شود، به مقولات تفکر مفهومی تقلیل می‌یابد و مفهوم جایگزین رمز و تمثیل می‌گردد (کرباسی به نقل از شایگان، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

راه رسیدن به «باطن، معنا، راز و جهت‌مداری» که در گرو آگاهی به عالم مقولات است از «درون» می‌گذرد. «جهان محسوس از آنچه اندیشمندان گذشته به آن می‌اندیشیدند، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، اما در مورد عالم معقول، وضع به گونه‌ای دیگر است و به آسانی نمی‌توان از گسترش آن سخن به میان آورد؛ زیرا عالم معقول، عالم وحدت و یگانگی است و از طریق درون می‌توان به آن راه پیدا کرد. در حالی که جهان محسوس، جهان کثرت و چندگونگی است و تنها از طریق حواس ظاهری که به بیرون می‌نگرد، ارتباط با آن ممکن می‌شود» (ابراهیمی دینالی، ۱۳۹۸: ۳۳۶). راه درون جهت دست‌یافتن به مراتب معنا، زمان‌بر و نیازمند حوصله است که با تعریف بشر امروزی از خود بر اساس آنچه در بالا اشاره شد، سازگار نیست؛ لذا نهایتاً به ساحت مقولات اهمیتی نمی‌دهد؛ نهایتاً خوانش گذر و بینابینی در مراتب ظاهری باقی می‌ماند و به یک چهارچوب در یا عبور از یک جزء ساختمانی تنزل پیدا می‌کند. بنابراین بود و نبودش فرقی ندارد. اکتفا کردن به مراتب ظاهری بینابینی، اهمیت مفهوم جدایی، گذار و پیوند در محدوده‌های مکانی کم کرده و آگاهی از گستره‌ی معنایی و وجود استعلایی این امر ضروری در معماری را از یاد برده است.

از آن‌جا که مفهومی بنیادین همچون «بینابینی» بی‌اهمیت پنداشته شده و تنها به مفاهیم ظاهری آن پرداخته شده است، این رساله در پی آن است که با تأکید بر جنبه‌های معنایی موضوع، مطابق با «سلسله مراتب» وجود آدمی، به «درون معماری» بپردازد. تعادل میان «مبدا و مقصد»، «ظاهر و باطن»، «انفصال و اتصال» و «درون و بیرون»، از نتایج پرداختن به فضای بینابین در معماری است که عدم توجه به آن، این دوگانه‌های مهم و اساسی در معماری را نابسامان می‌کند. در گام بعدی پرداختن به دو مسجد نمونه‌ی موردی این پژوهش که در دوره‌ی صفویه ساخته شدند و در نهایت بررسی این مولفه‌های دوگانه در این دو فضا و رسیدن به مفهوم وصال مد نظر است.

طی مراتب برای رسیدن به کمال، همواره در فرهنگ اعتقادی و عرفانی مسلمانان مورد توجه بوده است. در جهان‌بینی توحیدی، نگاهی کمال‌گرا به انسان شده است و این جهان‌را، مرحله‌ای از گذار به سوی کمال غایی تصویر کرده است. در معماری نیز برای تداعی مفهوم گذار از دنیای خاکی به ماورا، گاه به زبان تذکار و گاه در یک فرآیند ادراکی، شخص را به گذار از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر فرا خوانده‌اند. سلسله مراتب در معماری، نمودی از این تلاش برای بیان مفهوم گذار و جنبه‌ی تدریجی فرآیند ادراک است.

مسجد، محوری‌ترین، کانونی‌ترین و ارزنده‌ترین عنصر کالبد متبلورکننده مدنیت جامعه اسلامی است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳) و معماری آن می‌بایست تسهیل‌کننده و تشدیدکننده عروج از نازل‌ترین مرتبه هستی به عالی‌ترین مراتب آن باشد. (مشایخی، ۱۳۹۳) مساجد برای مفهوم گذار و جنبه‌ی تدریجی فرآیند ادراک دارای سلسله مراتب هستند که این وجوه مختلف سلسله مراتب به گونه‌ای و بر بخشی از ابعاد وجودی انسان موثرند (محمدیان، ۱۳۸۶). در این میان، فضای بینابین مسجد و شهر، صحن و رواق و... به عنوان مکانی برای اتصال ساحت دنیایی و جهان معنوی، شانی ماورایی می‌یابد که از طریق مراتب ادراکی، آمادگی مخاطب را برای گذار از ماده به مجرد محقق می‌سازد. (طبسی، و فاضلی نسب، ۱۳۹۱)

اعتقاد به وجود فضای بینابین در مجموعه‌های معماری و شهری ایران، به دلیل نگرش عرفانی و تاثیرپذیری از دین اسلام، با شدت بیش‌تری خود را نشان می‌دهد. تفکر بینابینی ابتدا از اعتقاد به سلسله مراتبی بودن جهان هستی و سپس وجود حلقه‌های واسط میان مراتب مختلف سرچشمه می‌گیرد. همچنین از دیدگاه اندیشه و عرفان اسلامی، وجود سلسله مراتب میان عالم‌های متعدد امری بدیهی بوده و ارتباط میان عوالم مختلف از طریق واسط‌ها صورت می‌پذیرد. این واسط‌ها علاوه بر وظیفه ارتباط، نقش تکاملی خود را پس از دریافت از طریق تفسیر، تغییر و تبدیل ایفا می‌کند. نمود این تفکر در مجموعه‌های معماری و شهری ایران در قالب عناصر بینابین در مقیاس‌های متعدد سلسله مراتب، پیوستگی، تمرکز، تعادل، تناسب، استمرار، مرکزیت، وحدت در کثرت و... قابل مشاهده و بررسی است.

صفویه در تاریخ ایران عصر شکوفایی اعتقادات شیعی است. فلسفه و تفکر شیعی در هنر این دوره نمود خاصی دارد و آثار مهمی را به خصوص در اصفهان، به عنوان پایتخت اصلی صفوی بر جای گذارده است. حاصل آنکه تمثیل در معماری سبک اصفهان که بر اساس حکمت اسلامی شکل گرفته است، گرایش به اعتقاد به عالم امثال دارد که در عقاید اهل سنت جایی نداشته و تمایزی را با ادوار گذشته ایجاد نموده است. بنابراین بررسی هر چه دقیق‌تر معماری و بنیان‌های اندیشه و حاکم در

این دوران می‌تواند به گونه‌ای از مستند نگاری تلقی گردد که می‌تواند به عنوان منابع اولیه، نقش تولید شاخص و معیارهای کیفی در معماری ایرانی را داشته باشد. در واقع دین بزرگ مطالعه و تکوین اطلاعات حوزه‌های تخصصی شهر و معماری ایرانی - اسلامی بر معماری دوره صفوی است و با تعریف پروژه‌های پژوهشی هر چه دقیق‌تر و با کیفیت‌تر می‌تواند ادا شود.

هنر، ترسیم جمال و زیبایی و گریز از گفتمان عینی و محسوس است که متناسب با روح انسان می‌تواند ترجمانی پویا، معنوی و آگاهانه ایجاد نموده و راهنمای انسان‌ها قرار گیرد.

به نظر می‌رسد مساجدی که روزگاری نه چندان دور با اتکا به جریانی ماورایی مقدس و متبرک شکل گرفته‌اند، امروزه به کالبدی صرفاً فیزیکی بدل شده‌اند که کم‌ترین توانایی پاسخگویی به نیازهای معنوی آدمیان ندارند. در واقع نکته کلیدی در این بین عدم وجود همان جریان ماورایی مقدس در جریان طراحی مساجد امروزی و در نهایت بحران هویت اجتماعی - فردی افراد در جوامع امروزی است. هنرمندان در گذشته با وقوف به معنویت به مثابه یگانه عامل هویت‌ساز بشری، همواره کوشیده‌اند گفتمانی استعلایی و بهره‌گیری از عناصر متنوع و متعادل در ساختار و کالبد مادی به تصویر بکشند و از این رهگذار هویتی متمایز برای آدمی باشد: هویتی که در نتیجه‌ی گسست او از قیود مادی و نیل به ملکوت و جاودانگی حاصل می‌شود. این همان حلقه گمشده‌ای است که انسان در سراسر عمر خود در این سرای غربت می‌جوید و ناشی از معنویت و ایمان درونی است که تحصیل کمال و رضایت حقیقی را در پی خواهد داشت. بر اساس مطالب ذکر شده هدف از انجام پژوهش حاضر بازخوانی مفهوم وصال در معماری فضاهای بینابینی مساجد (شیعی) ساخته شده در دوره صفوی شهر اصفهان می‌باشد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی - کمی (آمیخته) است و از حیث جمع‌آوری اطلاعات، می‌توان این تحقیق را نوعی تحقیق میدانی به حساب آورد.

جامعه آماری این تحقیق از دو بخش کیفی و کمی تشکیل می‌شود. جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی شامل ۱۶ نفر از خبرگان شامل مدیران عالی، میانی و کارشناسان ارشد سازمان میراث فرهنگی، معماران و صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و اساتید رشته معماری در مراکز آموزش عالی و بطور کلی افراد خارج از موارد گفته شده بالا که حوزه آموزش، پژوهش و اجرای آنها، مرتبط با عنوان تحقیق است، می‌باشد. جامعه مورد بررسی در مرحله کمی شامل کلیه صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی، اساتید رشته معماری، مسافران و گردشگران به شهر اصفهان و شهروندان شهر اصفهان، بتعداد نامحدود می‌باشد.



برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که با توجه به این که حجم جامعه نامحدود می‌باشد و با قرار گرفت در فرمول کوکران حجم جامعه آماری ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. ایزار گردآوری در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد و در نهایت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری PLS و نرم افزار Excel و نرم افزار Super Decision برای بررسی سوالات از روش دلفی فازی و روش تحلیل شبکه‌ای ANP و روش معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد.

### یافته‌ها

## نسبت میان بینابینی، انسان و عالم هستی و به دنبال آن "مفهوم حرکت" نزد حکما و عرفا

برخی از اصول در عالم هستی از ابد تا ازل بوده و هست؛ از آنجا که ثابت و غیر قابل تغییر هستند، باید برای پدیدار شدن آن‌ها کوشید. یکی از این اصول که جزئی از این عالم شمرده می‌شود، موضوع "بینابینی" است. عالم هستی که نظامی مرتبه‌مند دارد، در سیر خویش، با پیروی از این اصول غیر قابل تغییر، تبدیل و تحویل، به مبدا هستی باز خواهد گشت. با توجه به موضوع خلقت، وجود "بینابینی" در عالم، با اهداف "وصال" و "نزدیکی به حقیقت یگانه" بازآفرینی می‌گردد. معماری که ظرف تحقق زندگی آدمی در بستر این عالم است نیز از این قاعده مستثنی نبوده و موضوع بینابینی را تأیید می‌کند.

فضای بینابینی در این تحقیق جهت دست‌یابی به شناخت حقیقی‌اش، از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی به مثابه کیفیت و وضعیت "در میان"، مشابه بودن در عوالمی چون "برزخ" و "خیال" و یا تجربه‌ی زمان‌های چون "سحر و غروب" که مقدمه‌ای برای مکان‌های بعدی و پایانی برای مکان‌های قبلی خود هستند، تجربه‌ای "ابهام‌انگیز" حد فاصل پیدا و پنهان، مرئی و نامرئی، شناخته و ناشناخته، که گویی قدری از خواص قبل و بعد را به همراه داشته و جایگاهی برای تبدیل به وضعیت‌های قبل و بعد خود به حساب می‌آیند. از منظر دیگر، آنچه عرفا در "سیر وسلوک" از آن به "تقرب" با انگیزه‌ی "وصال" یاد می‌کنند. نزد عرفا، "انسان مهجور"، ناقص است و کامل شدنش در گرو "وصال" است، همچنان که ابن عربی "انسان شدن را واصل شدن می‌داند" و تقرب را عین عبودیت. (چیتیک، ۱۳۸۴: ۸۰) بنابراین انسان به صورت ذاتی، موجودی "در راه" (هومو ویاتور Humo Viator) است و شرط کمالش، "در راه بودگی" با هدف وصول به مقصود است؛ این راه مبدا، منزل، جهت و مقصدی دارد که می‌توان نمود آن را در معماری نیز بازخوانی کرد.

## نظریه‌ی حکمی و عرفانی صاحب‌نظران در مورد معماری بینابینی

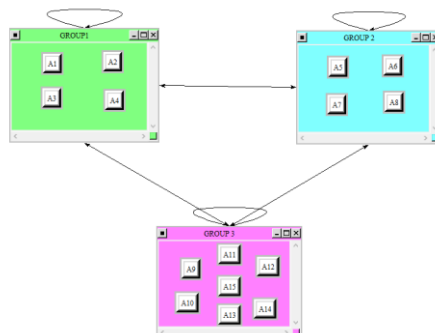
### جدول ۱. نظریه‌ی حکمی و عرفانی صاحب‌نظران در مورد معماری بینابینی

نما	صاحب‌نظر	کتاب	نظریه	
گروه اول: صاحب‌نظران و معماران ایرانی (درون فرهنگی)	A <sub>۱</sub>	اردلان و بختیار	حس وحدت ۱۳۹۰	بینابینی یک امر سنتی و مولفه‌ای معنایی است. سنت راهی است برای نفوذ به درون.
	A <sub>۲</sub>	نوابی و حاجی قاسمی	خشت و خیال ۱۳۹۰	اهمیت فضایی بینابین به مثابه مقدمه‌ای بر پیش‌درآمد ساختمان
	A <sub>۳</sub>	پیرنیا	سبک‌شناسی معماری ایرانی ۱۳۸۳	بینابینی از اصول درون‌گرایی است.
	A <sub>۴</sub>	فلامکی	ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری ۱۳۹۳	بینابینی به مثابه پرسپکتیوی از رسیدن به وصال با مفاهیمی کالبدی، معنایی و جوهری مطرح می‌شود. اسلوبی برای چگونه راه‌رفتن، ایستادن و دوباره راه‌افتادن در طول تجربه‌ی فضایی که از نتایج آن تعالی تدریجی و آمادگی فکری است.
	A <sub>۵</sub>	آلدو وان آیک	Door Step ۱۹۶۸	عملکرد واقعی بینابینی، سمبولیک است. در معماری دوران مدرن فضاهای گذار، به یک فضای بلااستفاده و رهاشده تبدیل شدند.
گروه دوم: بینابینی گروه ۱۰ و مساله‌ی بینابینی	A <sub>۶</sub>	پی‌یر فون مایس	مبانی معماری از فرم تا مکان ۱۳۹۲	فضای بینابین بیرون و درون به مانند یک کیفیت از بین رفته، با تأکید بر نگاه معناشناختی، مورد بحث ساختارگرایان قرار می‌گیرد.
	A <sub>۷</sub>	تیل بوتگر	فضاهای بینابینی ۲۰۱۴	تمامی فضاهای بینابینی دارای یک توالی فضایی با تعداد مشخصی "لحظه" می‌باشند و به زمان و مکان هر دو اشاره دارد. فضاهای بینابینی صرفاً کالبدی و ظاهری هستند.
	A <sub>۸</sub>	کریستوفر الکساندر	مصاحبه‌ی نیکولاس سالینگروس ۱۳۹۲	بینابینی در معماری دوران مدرن از بین نرفته و همواره درجاتی از معنابخشی به معماری را به همراه داشته است.
گروه سوم: آرای صاحب‌نظران و معماران بیرون فرهنگی	A <sub>۹</sub>	هرمان هرترز برگر	درس‌هایی برای دانشجویان معماری ۲۰۰۵	فضاهای مابین، فرصتی برای تطبیق جهان‌های هم‌جوار است.
	A <sub>۱۰</sub>	گنورگ زیمل	پل و درب	توانایی انسان در جدا کردن فضاها یعنی ایجاد مرز بین آن‌ها و نیاز به اتصال مجدد آن‌ها. بدون یک نقطه‌ی گذار، هیچ ارتباطی بین فضای داخلی و فضای خارجی وجود ندارد.
	A <sub>۱۱</sub>	رابرت ونتوری	تضاد و پیچیدگی در معماری ۱۹۶۶	فضایی که از عمل متقابل «نیروهای درونی و بیرونی» ریشه می‌گیرد، حامل معناست. نظریه‌ی "Both and"
	A <sub>۱۲</sub>	کریستوفر سرشت	سرشت نظم	حرکت در معماری، جاذبه‌ی مقصد است.

مرکز که یک کلیت واحد است، می‌تواند مقصد باشد. مرزها خاصیت دوگانه‌ی فصل و وصل را به‌طور هم‌زمان دارند. در سلسله مراتب، پدیده‌ها با لبه‌های مشخص به یکدیگر تبدیل می‌شوند.	۲۰۰۴	الکساندر	۲
فضای بینابین نقطه‌ای خاص در زمان و مکان برای "وصال" انسان در مقصد است. فضای بینابین مکان حضور است.		شولتز	A <sub>۱</sub>
"حضور" و "ظهور" چیزها در محل بینابینی بروز می‌کند و با طی سلسله مراتب انسان در مسیر مقصد، به صورت تجربه‌ی لحظه‌ای مابین دو لحظه، از طریق حضور (میل به بودن) محقق می‌شود.			۳
ارتباط بیرون و درون سرشار از معنی برای کاربران است. ایجاد نوعی قداست از طریق نمادگرایی در محدوده‌ی نواحی انتقالی (مرزهای گذار)		پویه‌شناسی صور معماری و قدرت	A <sub>۱</sub>
		مرکز	۴
	۱۳۹۲		
بینابینی لحظه‌ای است که از کرانمندی (ماده) در معماری به بی‌کرانی (معنا) در حقیقت راه می‌یابد. لحظه‌ای که ماده و معنا با هم روبه‌رو می‌شوند و به هم تبدیل می‌شوند. (حقیقت) تبدیل ظاهر به باطن و به عکس		سکوت و نور	A <sub>۱</sub>
	۱۳۹۸		۵

## فرآیند ANP

برای استخراج نتایج پرسشنامه توسط ۱۶ نفر از گان و مدیران عالی، میانی و کارشناسان ارشد سازمان میراث فرهنگی، معماران و صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و اساتید رشته معماری در مراکز آموزش عالی با استفاده از دستورالعمل مربوطه مقایسه و امتیاز داده شده است. برای انتخاب منسجم‌ترین نظریه در مورد معماری بینابینی با استفاده از نظر خبرگان، داده‌های مورد نیاز برای اجرای مدل جمع آوری شد. برای وزن دهی هر یک از نظریه‌های مربوط به صاحب‌نظران از روش ANP با استفاده از نرم افزار Super Decisions استفاده شده است به طور کلی وزن هر یک از شاخص‌ها به صورت زیر می‌باشد. نتایج تصمیم نظر خبرگان که در آن  $A_1$  تا  $A_{15}$  به ترتیب نظریه‌ی صاحب نظران جدول (۱) می‌باشد که نتایج به صورت زیر می‌باشد.



شکل ۱. مدل روش ANP

### سوپر ماتریس اولیه

برای تشکیل سوپر ماتریس اولیه همه بردارهای وزنی محاسبه شده در نرم افزار در یک ماتریس بزرگ بنام سوپر ماتریس اولیه قرارا می گیرند. این ماتریس نمایش دهنده تمامی روابط بین عناصر حاضر در شبکه بوده و قدم اولیه برای تعیین همه اولویت‌های موجود بین گروه‌ها و صاحب‌نظران است

جدول ۲. سوپر ماتریس اولیه

$A_{15}$	$A_{14}$	$A_{13}$	$A_{12}$	$A_{11}$	$A_{10}$	$A_9$	$A_8$	$A_7$	$A_6$	$A_5$	$A_4$	$A_3$	$A_2$	$A_1$	ماتریس T
۰.۰۴۲	۰.۰۵۰	۰.۰۶۲	۰.۰۶۳	۰.۰۷۷	۰.۰۶۵	۰.۰۸۹	۰.۰۸۲	۰.۰۹۲	۰.۱۲۷	۰.۱۲۱	۰.۱۷۷	۰.۲۴۳	۰.۰۵۲	۰.۱۶۸	$A_1$
۰.۰۸۱	۰.۰۹۱	۰.۰۹۳	۰.۱۰۲	۰.۱۱۰	۰.۱۱۸	۰.۱۲۶	۰.۱۵۸	۰.۱۶۸	۰.۱۸۸	۰.۲۵۵	۰.۳۲۶	۰.۴۴۴	۰.۰۱۲	۰.۰۶۴	$A_2$
۰.۰۸۹	۰.۰۹۷	۰.۰۸۹	۰.۱۰۹	۰.۰۷۵	۰.۱۲۷	۰.۱۳۰	۰.۱۴۷	۰.۱۸۷	۰.۱۹۰	۰.۲۳۶	۰.۳۰۴	۰.۰۹۲	۰.۰۰۳	۰.۰۶۴	$A_3$
۰.۰۸۴	۰.۰۹۳	۰.۰۹۰	۰.۱۱۳	۰.۱۰۸	۰.۱۳۶	۰.۱۲۷	۰.۱۵۶	۰.۱۹۰	۰.۱۹۱	۰.۲۴۵	۰.۰۶۲	۰.۰۱۹	۰.۰۰۳	۰.۰۵۹	$A_4$
۰.۰۸۳	۰.۰۹۴	۰.۰۹۰	۰.۱۰۴	۰.۱۱۲	۰.۱۱۹	۰.۱۳۱	۰.۱۴۳	۰.۱۸۱	۰.۱۹۲	۰.۰۴۸	۰.۰۱۲	۰.۰۱۹	۰.۰۰۳	۰.۰۶۷	$A_5$
۰.۰۴۳	۰.۰۴۶	۰.۰۵۹	۰.۰۵۴	۰.۰۷۷	۰.۰۶۴	۰.۰۸۸	۰.۰۸۵	۰.۰۸۶	۰.۰۲۶	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۱۲	۰.۰۰۴	۰.۰۳۴	$A_6$
۰.۰۸۶	۰.۰۹۱	۰.۰۹۳	۰.۱۰۴	۰.۱۰۸	۰.۱۱۹	۰.۱۲۸	۰.۱۵۴	۰.۰۳۷	۰.۰۱۱	۰.۰۱۰	۰.۰۱۲	۰.۰۱۸	۰.۰۰۴	۰.۰۶۶	$A_7$
۰.۰۸۷	۰.۰۹۱	۰.۰۹۱	۰.۱۰۲	۰.۱۱۰	۰.۱۲۶	۰.۱۲۳	۰.۰۳۱	۰.۰۰۷	۰.۰۰۹	۰.۰۱۰	۰.۰۱۲	۰.۰۱۹	۰.۰۰۴	۰.۰۶۳	$A_8$
۰.۰۴۳	۰.۰۴۵	۰.۰۶۶	۰.۰۵۷	۰.۰۷۳	۰.۰۷۲	۰.۰۱۷	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۵	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۱۲	۰.۰۰۵	۰.۰۳۳	$A_9$
۰.۰۸۶	۰.۰۹۳	۰.۰۹۴	۰.۱۰۲	۰.۱۰۸	۰.۰۲۶	۰.۰۰۶	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۱۰	۰.۰۱۰	۰.۰۱۲	۰.۰۱۹	۰.۰۰۶	۰.۰۶۵	$A_{10}$
۰.۰۴۵	۰.۰۴۷	۰.۰۵۷	۰.۰۵۴	۰.۰۱۵	۰.۰۰۳	۰.۰۰۴	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۵	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۱۸	۰.۰۰۸	۰.۰۳۲	$A_{11}$
۰.۰۸۳	۰.۰۹۱	۰.۰۹۱	۰.۰۲۱	۰.۰۰۶	۰.۰۰۵	۰.۰۰۶	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۱۰	۰.۰۱۰	۰.۰۱۲	۰.۰۱۸	۰.۰۰۸	۰.۰۵۷	$A_{12}$
۰.۰۴۵	۰.۰۴۵	۰.۰۱۲	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۵	۰.۰۰۷	۰.۰۰۸	۰.۰۱۳	۰.۰۱۲	۰.۰۳۳	$A_{13}$
۰.۰۸۳	۰.۰۱۸	۰.۰۰۵	۰.۰۰۴	۰.۰۰۶	۰.۰۰۵	۰.۰۰۷	۰.۰۰۶	۰.۰۰۷	۰.۰۱۰	۰.۰۰۹	۰.۰۱۲	۰.۰۱۷	۰.۰۱۴	۰.۰۶۲	$A_{14}$
۰.۰۱۷	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۴	۰.۰۰۶	۰.۰۰۵	۰.۰۰۷	۰.۰۰۶	۰.۰۰۷	۰.۰۱۰	۰.۰۱۰	۰.۰۱۳	۰.۰۱۸	۰.۰۲۱	۰.۰۶۸	$A_{15}$

### نتایج وزن دهی مدل ANP

هر خوشه و کل مدل نتایج خاص خود را ارائه می‌کنند. از آن جا که ارائه این نتایج حجم عملیات گسترده‌ای دارد، بنابراین در این جا تنها خروجی نهایی مدل ارائه می‌شود. نتایج نهایی وزن‌های ۱۵ صاحب‌نظر هم به صورت نرمال شده و هم به صورت گرافیکی در شکل زیر نشان داده شده است.

Icon	Name	Normalized by Cluster	Limiting
No Icon	A5	0.21862	0.146206
No Icon	A6	0.17166	0.114802
No Icon	A7	0.37811	0.252867
No Icon	A8	0.23162	0.154898
No Icon	A9	0.14286	0.017043
No Icon	A10	0.14286	0.017043
No Icon	A11	0.14286	0.017043
No Icon	A12	0.14286	0.017043
No Icon	A13	0.14286	0.017043
No Icon	A14	0.14286	0.017043
No Icon	A15	0.14286	0.017043
No Icon	A1	0.25000	0.052982
No Icon	A2	0.25000	0.052982
No Icon	A3	0.25000	0.052982
No Icon	A4	0.25000	0.052982

### شکل ۲. وزن شاخص‌ها

همانطور که ملاحظه می‌شود بیشترین وزن را شاخص  $A_7$  (نظریه تیل بوتگر) دارد که رتبه اول را دارا می‌باشد به عبارتی دیگر نظریه‌ی حکمی و عرفانی تیل بوتگر و بایسته‌های مذهبی وی چهارچوب نظری منسجم‌تری در معماری فراهم می‌آورد و ریشه‌های معنوی از آرای عرفای شیعی که در فضای بینابینی مساجد صفوی باز نمود یافته را توصیف می‌کند.

### روش دلفی فازی جهت بررسی مولفه‌هایی موثر بر محدوده‌ی بینابین

در مرحله نخست پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خبرگان، نتایج آن مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب که مقادیر کیفی متغیرها به مقادیر کمی فازی تبدیل شده و میانگین فازی مربوط به هر معیار به طور جداگانه تعیین شد. جهت فازی کردن متغیرهای کلامی از مقادیر جدول (۳) استفاده شد:

### جدول ۳. تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی
کاملاً موافقم	(۰/۹، ۰/۱، ۰/۱)
موافقم	(۰/۷، ۰/۹، ۰/۱)
بدون نظر	(۰/۳، ۰/۵، ۰/۷)
مخالفم	(۰، ۰/۱، ۰/۳)
کاملاً مخالفم	(۰، ۰، ۰/۱)

### جدول ۴. نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله اول نظرسنجی پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	کاملاً موافقم	موافقم	بدون نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	انفصال و جدایی	۱۰	۵	۰	۱	۰
۲	تعادل و توازن	۸	۶	۱	۱	۰
۳	تضاد	۱۲	۳	۰	۰	۱
۴	سازگاری	۱۰	۵	۰	۱	۰
۵	مرز درون و بیرون	۹	۴	۱	۰	۱
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۹	۶	۱	۰	۰
۷	انعطاف‌پذیری	۱۰	۲	۲	۱	۱
۸	تداوم و پویایی	۹	۴	۱	۱	۱
۹	سلسله مراتب	۸	۷	۱	۰	۰
۱۰	خلوت	۱۱	۳	۰	۱	۱
۱۱	هم‌جواری	۱۳	۳	۰	۰	۰
۱۲	حریم	۱۲	۳	۰	۱	۰
۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۹	۶	۱	۰	۰
۱۴	تأثر	۱۱	۲	۱	۰	۱
۱۵	سردرگمی- آرامش	۱۰	۳	۲	۱	۰
۱۶	تعلق	۱۰	۳	۱	۰	۱
۱۷	تفاهم	۱۱	۴	۲	۰	۰
۱۸	وحدت و یکی شدن	۹	۶	۰	۱	۰
۱۹	تکریم و احترام	۹	۵	۱	۱	۰
۲۰	تجريد	۱	۳	۲	۰	۰

سیس میانگین فازی نظرات کلیه خبرگان در مورد هر معیار به دست آمده و مقادیر آن فازی زدائی شدند.

روش فازی زدایی مورد استفاده در این تحقیق، روش مرکز سطح (مرکز ثقل) می‌باشد. مرکز ثقل سطح زیر نمودار تابع عضویت فازی به عنوان ارزش قطعی عدد فازی تعیین می‌گردد.

$$X = \frac{a+2b+c}{4}$$

در این معادله  $X$  عدد قطعی،  $a$  مرز پایین تابع عضویت،  $b$  مؤلفه دارای بیشترین درجه عضویت و  $c$  مرز بالای تابع عضویت عدد فازی است.

میانگین قطعی به دست آمده نشان دهنده شدت موافقت خبرگان با هر کدام از مؤلفه‌های الگوی پژوهش می‌باشد.

**جدول ۵. میانگین فازی نظرات خبرگان در مرحله نخست نظرسنجی و مقدار فازی زدایی شده**

**پرسشنامه مقایسات زوجی**

ردیف	شاخص	میانگین فازی		میانگین فازی زدایی شده
۱	انفصال و جدایی	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۸۹۱
۲	تعادل و توازن	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۸۵۵
۳	تضاد	۰.۹۴	۰.۹۲	۰.۸۹۷
۴	سازگاری	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۸۹۱
۵	مرز درون و بیرون	۰.۸۶	۰.۸۲	۰.۸۰۰
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۹۰۸
۷	انعطاف‌پذیری	۰.۸۶	۰.۸۱	۰.۷۹۱
۸	تداوم و پویایی	۰.۸۸	۰.۸۳	۰.۸۰۸
۹	سلسله مراتب	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۹۰۲
۱۰	خلوت	۰.۹۰	۰.۸۶	۰.۸۴۴
۱۱	هم‌جواری	۱.۰۰	۰.۹۸	۰.۹۵۶
۱۲	حریم	۰.۹۶	۰.۹۳	۰.۹۰۳
۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۹۰۸
۱۴	تاثر	۰.۸۶	۰.۸۳	۰.۸۱۳

۰.۸۴۴	۰.۷۳	۰.۸۶	۰.۹۲	سردرگمی- آرامش	۱۵
۰.۸۰۶	۰.۷۱	۰.۸۳	۰.۸۶	تعلق	۱۶
۰.۹۵۲	۰.۸۳	۰.۹۸	۱.۰۳	تفاهم	۱۷
۰.۸۸۴	۰.۷۷	۰.۹۱	۰.۹۶	وحدت و یکی شدن	۱۸
۰.۸۶۱	۰.۷۴	۰.۸۸	۰.۹۴	تکریم و احترام	۱۹
۰.۸۹۷	۰.۷۹	۰.۹۲	۰.۹۶	تجربید	۲۰

با بررسی نتایج مرحله نخست نظرسنجی، میانگین‌های فازی زدایی شده مولفه‌های در پرسشنامه‌ای به خبرگان اعلام شد. با توجه به این که اعضای گروه خبره با شاخص‌ها موافق بوده‌اند و میانگین قطعی معیارها همگی بالای ۰/۴ می‌باشد. در مرحله دوم نظر سنجی از خبرگان علاوه بر اطلاعات مربوط به میانگین نظرات کلیه خبرگان، نظر قبلی هر خبره نیز ثبت شد تا پس از مقایسه آن‌ها، نظر جدید خود را در مورد مولفه‌های مولفه‌هایی موثر بر محدوده‌ی بینابین ثبت کنند. همچنین در پرسشنامه دوم ۳ مولفه‌هایی موثر بر محدوده‌ی بینابین دیگر نیز به نظر خبرگان اضافه شده است.

جدول ۶. نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله دوم نظرسنجی پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	انفصال و جدایی	۸	۵	۲	۱	۰
۲	تعادل و توازن	۱۰	۴	۱	۱	۰
۳	تضاد	۹	۵	۱	۱	۰
۴	سازگاری	۸	۶	۱	۱	۰
۵	مرز درون و بیرون	۹	۵	۱	۱	۰
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۱۰	۴	۲	۰	۰
۷	انعطاف‌پذیری	۷	۷	۱	۱	۰
۸	تداوم و پویایی	۹	۴	۱	۱	۱
۹	سلسله مراتب	۹	۴	۲	۱	۰
۱۰	خلوت	۷	۶	۲	۰	۱
۱۱	هم‌جواری	۱۰	۴	۱	۱	۰
۱۲	حریم	۸	۶	۱	۱	۰



۰	۱	۰	۵	۱۰	حرکت ظاهر به باطن	۱۳
۰	۰	۱	۷	۸	تاثیر	۱۴
۰	۰	۱	۶	۹	سردرگمی- آرامش	۱۵
۰	۰	۱	۴	۱۱	تعلق	۱۶
۰	۱	۰	۷	۸	تفاهم	۱۷
۰	۱	۰	۵	۱۰	وحدت و یکی شدن	۱۸
۰	۱	۱	۶	۸	تکریم و احترام	۱۹
۱	۰	۰	۳	۱۲	تجرید	۲۰
۰	۱	۰	۵	۱۰	آگاهی از مبدا و مقصد	۲۱
۱	۱	۱	۴	۹	حُب و هم‌دلی	۲۲
۰	۰	۱	۶	۹	حرکت درونی	۲۳

### جدول ۷. میانگین فازی نظرات خبرگان در مرحله دوم نظرسنجی و مقدار فازی زدایی شده

#### پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	میانگین فازی			میانگین فازی زدایی شده
۱	انفصال و جدایی	۰.۹۲	۰.۸۵	۰.۷۱	۰.۸۳۱
۲	تعادل و توازن	۰.۹۴	۰.۸۹	۰.۷۶	۰.۸۶۷
۳	تضاد	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۴	۰.۸۶۱
۴	سازگاری	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۳	۰.۸۵۵
۵	مرز درون و بیرون	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۴	۰.۸۶۱
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۷	انعطاف‌پذیری	۰.۹۴	۰.۸۷	۰.۷۲	۰.۸۴۸
۸	تداوم و پویایی	۰.۸۸	۰.۸۳	۰.۷۰	۰.۸۰۸
۹	سلسله مراتب	۰.۹۲	۰.۸۶	۰.۷۲	۰.۸۳۸
۱۰	خلوت	۰.۹۱	۰.۸۴	۰.۶۹	۰.۸۱۹
۱۱	هم‌جواری	۰.۹۴	۰.۸۹	۰.۷۶	۰.۸۶۷
۱۲	حریم	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۳	۰.۸۵۵
۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۱۴	تاثیر	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۸	۰.۹۰۲

۱۵	سردرگمی - آرامش	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸
۱۶	تعلق	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۸۱	۰.۹۲۰
۱۷	تفاهم	۰.۹۶	۰.۹۰	۰.۷۶	۰.۸۷۸
۱۸	وحدت و یکی شدن	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۱۹	تکریم و احترام	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۳	۰.۸۵۵
۲۰	تجربید	۰.۹۴	۰.۹۲	۰.۸۱	۰.۸۹۷
۲۱	آگاهی از مبدا و مقصد	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۲۲	حُب و هم‌دلی	۰.۸۸	۰.۸۳	۰.۷۰	۰.۸۰۸
۲۳	حرکت درونی	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸

نتایج نظرسنجی مرحله دوم در جدول (۶) آورده شده است. سپس میانگین فازی زدائی شده نظرسنجی دوم نیز در جداول (۷) تعیین گردید. با توجه به این که اعضای گروه خبره با تمام مولفه‌ها در مرحله دوم موافق بوده‌اند چون میانگین قطعی شاخص‌ها همگی بالای ۰/۴ می‌باشند.

#### جدول ۸. نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله سوم نظرسنجی پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	کاملاً موافقم	موافقم	بدون نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	انفصال و جدایی	۹	۶	۱	۰	۰
۲	تعادل و توازن	۱۲	۳	۱	۰	۰
۳	تضاد	۱۰	۵	۰	۱	۰
۴	سازگاری	۷	۸	۱	۰	۰
۵	مرز درون و بیرون	۸	۷	۱	۰	۰
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۱۲	۳	۱	۰	۰
۷	انعطاف‌پذیری	۸	۷	۱	۰	۰
۸	تداوم و پویایی	۱۰	۴	۱	۱	۰
۹	سلسله مراتب	۱۰	۴	۲	۰	۰
۱۰	خلوت	۷	۷	۲	۰	۰
۱۱	هم‌جواری	۱۰	۵	۱	۰	۰
۱۲	حریم	۹	۶	۱	۰	۰
۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۱۱	۴	۱	۰	۰

۰	۰	۱	۶	۹	تأثر	۱۴
۰	۰	۱	۵	۱۰	سردرگمی- آرامش	۱۵
۰	۰	۱	۶	۹	تعلق	۱۶
۰	۱	۱	۳	۱۱	تفاهم	۱۷
۰	۰	۱	۶	۹	وحدت و یکی شدن	۱۸
۰	۱	۱	۵	۹	تکریم و احترام	۱۹
۱	۰	۱	۲	۱۲	تجربید	۲۰
۰	۱	۰	۴	۱۱	آگاهی از مبدا و مقصد	۲۱
۱	۰	۲	۳	۱۰	حُب و هم‌دلی	۲۲
۰	۰	۱	۵	۱۰	حرکت درونی	۲۳

**جدول ۹. میانگین فازی نظرات خبرگان در مرحله سوم نظرسنجی و مقدار فازی زدایی شده پرسشنامه مقایسات زوجی**

ردیف	شاخص	میانگین فازی			میانگین فازی زدایی شده
۱	انفصال و جدایی	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸
۲	تعادل و توازن	۰.۹۸	۰.۹۵	۰.۸۳	۰.۹۲۷
۳	تضاد	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۴	سازگاری	۰.۹۸	۰.۹۲	۰.۷۶	۰.۸۹۵
۵	مرز درون و بیرون	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۸	۰.۹۰۲
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰.۹۸	۰.۹۵	۰.۸۳	۰.۹۲۷
۷	انعطاف‌پذیری	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۸	۰.۹۰۲
۸	تداوم و پویایی	۰.۹۴	۰.۸۹	۰.۷۶	۰.۸۶۷
۹	سلسله مراتب	۰.۹۶	۰.۹۱	۰.۷۸	۰.۸۹۱
۱۰	خلوت	۰.۹۶	۰.۸۹	۰.۷۴	۰.۸۷۲
۱۱	هم‌جواری	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۸۰	۰.۹۱۴
۱۲	حریم	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸
۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۸۱	۰.۹۲۰
۱۴	تأثر	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸

۱۵	سردرگمی - آرامش	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۸۰	۰.۹۱۴
۱۶	تعلق	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸
۱۷	تفاهم	۰.۹۴	۰.۸۹	۰.۷۷	۰.۸۷۳
۱۸	وحدت و یکی شدن	۰.۹۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۹۰۸
۱۹	تکریم و احترام	۰.۹۴	۰.۸۸	۰.۷۴	۰.۸۶۱
۲۰	تجربید	۰.۹۳	۰.۸۹	۰.۷۸	۰.۸۷۳
۲۱	آگاهی از مبدا و مقصد	۰.۹۶	۰.۹۲	۰.۷۹	۰.۸۹۷
۲۲	حُب و هم‌دلی	۰.۹۱	۰.۸۶	۰.۷۳	۰.۸۳۸
۲۳	حرکت درونی	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۸۰	۰.۹۱۴

نتایج نظرسنجی مرحله سوم در جدول (۸) آورده شده، سپس میانگین فازی زدائی شده نظرسنجی دوم نیز در جدول (۹) به دست آمده و اختلاف آن با میانگین فازی زدائی شده مرحله ی دوم نظرسنجی تعیین گردید. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله دوم و مقایسه آن با نتایج مرحله سوم، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از آستانه کم (۰/۱) باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. میزان اختلاف بین مراحل دوم و سوم نظرسنجی در جدول (۱۰) قابل مشاهده است

#### جدول ۱۰. اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم و سوم پرسشنامه مقایسات زوجی

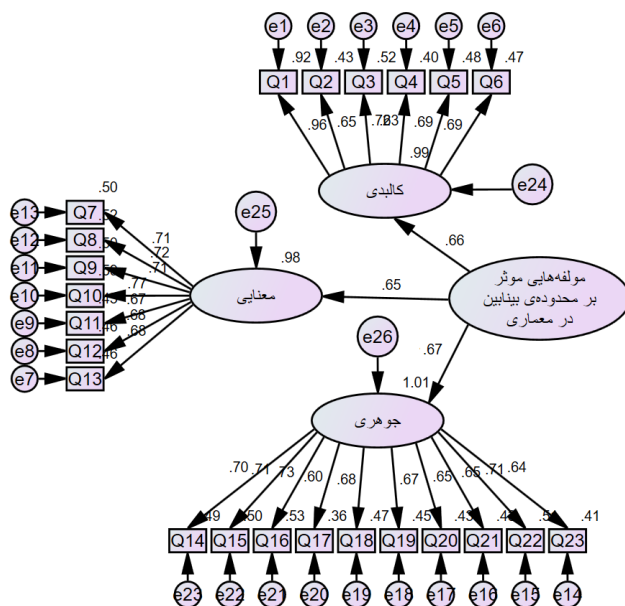
ردیف	شاخص	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۲	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۳	اختلاف
۱	انفصال و جدایی	۰.۸۳۱	۰.۹۰۸	۰.۰۷۷
۲	تعادل و توازن	۰.۸۶۷	۰.۹۲۷	۰.۰۵۹
۳	تضاد	۰.۸۶۱	۰.۸۹۱	۰.۰۳۰
۴	سازگاری	۰.۸۵۵	۰.۸۹۵	۰.۰۴۱
۵	مرز درون و بیرون	۰.۸۶۱	۰.۹۰۲	۰.۰۴۱
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰.۸۹۱	۰.۹۲۷	۰.۰۳۶
۷	انعطاف‌پذیری	۰.۸۴۸	۰.۹۰۲	۰.۰۵۳
۸	تداوم و پویایی	۰.۸۰۸	۰.۸۶۷	۰.۰۵۹
۹	سلسله مراتب	۰.۸۳۸	۰.۸۹۱	۰.۰۵۳

۰.۰۵۳	۰.۸۷۲	۰.۸۱۹	خلوت	۱۰
۰.۰۴۷	۰.۹۱۴	۰.۸۶۷	هم‌جواری	۱۱
۰.۰۵۳	۰.۹۰۸	۰.۸۵۵	حریم	۱۲
۰.۰۳۰	۰.۹۲۰	۰.۸۹۱	حرکت ظاهر به باطن	۱۳
۰.۰۰۶	۰.۹۰۸	۰.۹۰۲	تاثیر	۱۴
۰.۰۰۶	۰.۹۱۴	۰.۹۰۸	سردرگمی-آرامش	۱۵
۰.۰۱۳	۰.۹۰۸	۰.۹۲۰	تعلق	۱۶
۰.۰۰۵	۰.۸۷۳	۰.۸۷۸	تفاهم	۱۷
۰.۰۱۷	۰.۹۰۸	۰.۸۹۱	وحدت و یکی شدن	۱۸
۰.۰۰۶	۰.۸۶۱	۰.۸۵۵	تکریم و احترام	۱۹
۰.۰۲۳	۰.۸۷۳	۰.۸۹۷	تجرید	۲۰
۰.۰۰۶	۰.۸۹۷	۰.۸۹۱	آگاهی از مبدا و مقصد	۲۱
۰.۰۳۰	۰.۸۳۸	۰.۸۰۸	حُب و هم‌دلی	۲۲
۰.۰۰۶	۰.۹۱۴	۰.۹۰۸	حرکت درونی	۲۳

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله سوم و مقایسه آن با نتایج مرحله دوم، اختلاف میانگین قطعی مولفه‌ها بین دو مرحله کمتر از آستانه کم (۰/۱) می‌باشد بنابراین فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود و اعضای گروه خبره با تمامی مولفه‌ها موافق بوده‌اند و این مولفه‌ها بر اساس تکنیک دلفی فازی مورد قبول واقع شدند.

### مدل ساختاری تحقیق

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. لذا در این قسمت به ارزیابی برازش مدل مفروض پژوهش پرداخته می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد و در نهایت پاسخ سوالات پژوهش استنتاج گردد. بررسی برازش مدل مفهومی مدل در دو مرحله صورت پذیرفته است. نخست ارزیابی برازش بخش اندازه گیری مدل و دوم ارزیابی برازش بخش ساختاری مدل با استفاده از نرم افزار AMOS، که در ادامه به تفصیل در مورد آن‌ها بحث شده‌است.



شکل ۳. ضریب رگرسیونی مولفه‌هایی موثر بر محدوددهی بینابین

جدول ۱۱. شاخص‌های برازش مدل فرضیات فرعی پژوهش

شاخص	مجذور کای	CMIN/DF	CFI	NFI	RMSRA	GFI
مدل مفهومی	۵۲.۶۰۶	۱.۰۳۱	۰.۹۸۲	۰.۹۹۰	۰.۰۱۰	۰.۹۷۴

CFI و NFI، شاخص‌هایی هستند که برازش مدل پیشنهاد شده به مدل مستقل (که فرض می‌کند بین داده‌ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می‌سنجد و به ترتیب در مدل برابر ۰.۹۸۲ و ۰.۹۹۰ هستند. با توجه به این که مقادیر ۰.۹ و بالاتر قابل قبول می‌باشند، این اندازه‌ها نیز نمایانگر برازش قابل قبول مدل هستند.

RMSEA، متوسط باقی مانده‌های بین همبستگی / کوواریانس مشاهده شده نمونه و مدل مورد انتظار برآورد شده از جامعه است که بنابر توصیه لوهلین مقدار کمتر از ۰.۰۸ به معنای برازش خوب می‌باشد.

GFI نیز مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند. ویژگی خاص شاخص GFI این است که به حجم نمونه بستگی ندارند. دامنه تغییرات این دو شاخص بین صفر و یک می‌باشد و مقدار برابر یا بزرگ تر از ۰.۹۰ نمایانگر برازش مطلوب است همانطور که در جدول آمده است مقدار GFI برابر ۰.۹۷۴ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است.

### مراتب تفکر بینابینی

تفکر بینابینی ابتدا از اعتقاد به سلسله مراتبی بودن جهان هستی و سپس وجود حلقه‌های واسط میان مراتب مختلف سرچشمه می‌گیرد. همچنین از دیدگاه اندیشه و عرفان اسلامی، وجود سلسله مراتب میان عالم‌های متعدد امری بدیهی بوده و ارتباط میان عوالم مختلف از طریق واسط‌ها صورت می‌پذیرد. این واسط‌ها علاوه بر وظیفه ارتباط، نقش تکاملی خود را پس از دریافت از طریق تفسیر، تغییر و تبدیل ایفا می‌کند. راه رسیدن به «باطن، معنا، راز و جهت‌مداری» که در گرو آگاهی به عالم مقولات است از «درون» می‌گذرد. «جهان محسوس از آنچه اندیشمندان گذشته به آن می‌اندیشیدند، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، اما در مورد عالم معقول، وضع به گونه‌ای دیگر است و به آسانی نمی‌توان از گسترش آن سخن به میان آورد؛ زیرا عالم معقول، عالم وحدت و یگانگی است و از طریق درون می‌توان به آن راه پیدا کرد. در حالی که جهان محسوس، جهان کثرت و چندگونگی است و تنها از طریق حواس ظاهری که به بیرون می‌نگرد، ارتباط با آن ممکن می‌شود» (ابراهیمی دینالی، ۱۳۹۸: ۳۳۶). راه درون جهت دست‌یافتن به مراتب معنا، زمان‌بر و نیازمند حوصله است که با تعریف بشر امروزی از خود بر اساس آنچه در بالا اشاره شد، سازگار نیست؛ لذا نهایتاً به ساحت معقولات اهمیتی نمی‌دهد؛ نهایتاً خوانش گذر و بینابینی در مراتب ظاهری باقی می‌ماند و به یک چهارچوب در یا عبور از یک جزء ساختمانی تنزل پیدا می‌کند. بنابراین بود و نبودش فرقی ندارد. اکتفا کردن به مراتب ظاهری بینابینی، اهمیت مفهوم جدایی، گذار و پیوند در محدوده‌های مکانی کم کرده و آگاهی از گستره‌ی معنایی و وجود استعلایی این امر ضروری در معماری را از یاد برده است. از آن‌جا که مفهومی بنیادین همچون "بینابینی" بی‌اهمیت پنداشته شده و تنها به مفاهیم ظاهری آن پرداخته شده است، این تحقیق در پی آن است که با تاکید بر جنبه‌های معنایی موضوع، مطابق با "سلسله مراتب" وجود آدمی، به "درون معماری" پردازد. تعادل میان "مبدأ و مقصد"، "ظاهر و باطن"، "انفصال و اتصال" و "درون و بیرون"، از نتایج پرداختن به فضای بینابین در معماری است که عدم توجه به آن، این دوگانه‌های مهم و اساسی در معماری را نابسامان می‌کند.

### نمود تفکر «بینابینی» به مانند امری فطری و دارای مرتبه در معماری

در یک نظام مرتبه‌ای، هم راستا با مراتب وجود آدمی در عالم هستی به مانند بستری برای تحقق عالم معماری، می‌توان مراتب "بینابینی" را مشاهده کرد. این مراتب که با توجه به مفاهیمی چون "مرتبه" و "حرکت" زیر مجموعه‌ی نگره‌های حکمی و عرفانی با اندیشه‌ای وحدانی، روشن گردید؛ مراتب بینابین را در سه مرتبه‌ی جسم، روان و جان معماری مورد بررسی قرار داده و در سه ساحت ظاهر، باطن و حقیقت به صورت معنا و جوهر "در بین بودن" می‌پردازد. لذا جهت دست‌یابی به

حقیقت این امر کیفی در معماری یک سلسله مراتب طولی در نظر گرفته شده است تا بتواند معانی صرفاً ظاهری را پوشش دهد. مراتب گذار در معماری با تاکید بر "تا" در گزاره "از این جا تا آن جا" که به شکلی استدلالی آمده است، به ترتیب "انتقال، دریافت/ تفسیر، تحول/ حضور" تعریف می‌شوند؛ به عبارتی دیگر یک ناحیه‌ی انتقالی معماری در مرتبه‌ای کامل‌تر جایی برای "متحول شدن" و در وجوه متعالی‌تر مکانی برای "حضور" در نظر گرفته می‌شود. بنابراین تجربه‌ی بینابینی در معماری تنها گذر از یک فضا تا فضای دیگر نیست، این گستره‌ی معنایی انفصال و اتصالی حقیقی را به همراه دارد.

### بحث و نتیجه گیری

برخی از اصول در عالم هستی از ابد تا ازل بوده و هست؛ از آنجا که ثابت و غیر قابل تغییر هستند، باید برای پدیدار شدن آن‌ها کوشید. یکی از این اصول که جزئی از این عالم شمرده می‌شود، موضوع "بینابینی" است. عالم هستی که نظامی مرتبه‌مند دارد، در سیر خویش، با پیروی از این اصول غیر قابل تغییر، تبدیل و تحویل، به مبدا هستی باز خواهد گشت. با توجه به موضوع خلقت، وجود "بینابینی" در عالم، با اهداف "وصال" و "نزدیکی به حقیقت یگانه" بازآفرینی می‌گردد. معماری که ظرف تحقق زندگی آدمی در بستر این عالم است نیز از این قاعده مستثنی نبوده و موضوع بینابینی را تایید می‌کند.

فضای بینابینی در این تحقیق جهت دستیابی به شناخت حقیقی‌اش، از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی به مثابه کیفیت و وضعیت "در میان"، مشابه بودن در عوالمی چون "برزخ" و "خیال" و یا تجربه‌ی زمان‌های چون "سحر و غروب" که مقدمه‌ای برای مکان‌های بعدی و پایانی برای مکان‌های قبلی خود هستند، تجربه‌ای "ابهام‌انگیز" حد فاصل پیدا و پنهان، مرئی و نامرئی، شناخته و ناشناخته، که گویی قدری از خواص قبل و بعد را به همراه داشته و جایگاهی برای تبدیل به وضعیت‌های قبل و بعد خود به حساب می‌آیند. از منظر دیگر، آنچه عرفا در "سیر وسلوک" از آن به "تقرب" با انگیزه‌ی "وصال" یاد می‌کنند. نزد عرفا، "انسان مهجور"، ناقص است و کامل شدنش در گرو "وصال" است، همچنان‌که ابن عربی "انسان شدن را واصل شدن می‌داند" و تقرب را عین عبودیت. بنابراین انسان به صورت ذاتی، موجودی "در راه" است و شرط کمالش، "در راه بودگی" با هدف وصول به مقصود است؛ این راه مبدا، منزل، جهت و مقصدی دارد که می‌توان نمود آن را در معماری نیز بازخوانی کرد.

برای استخراج نتایج پرسشنامه توسط ۱۶ نفر از گان و مدیران عالی، میانی و کارشناسان ارشد سازمان میراث فرهنگی، معماران و صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و اساتید رشته معماری



در مراکز آموزش عالی با استفاده از دستورالعمل مربوطه مقایسه و امتیاز داده شده است. برای انتخاب منسجم‌ترین نظریه در مورد معماری بینابینی با استفاده از نظر خبرگان، داده‌های مورد نیاز برای اجرای مدل جمع آوری شد. برای وزن دهی هر یک از نظریه‌های مربوط به صاحب‌نظران از روش ANP با استفاده از نرم افزار Super Decisions استفاده شده است به طور کلی وزن هر یک از شاخص‌ها به دست آمد. نتایج نشان داد که بیشترین وزن را شاخص  $A_7$  (نظریه تیل بوتگر) دارد که رتبه اول را دارا می‌باشد به عبارتی دیگر نظریه‌ی حکمی و عرفانی تیل بوتگر و بایسته‌های مذهبی وی چهارچوب نظری منسجم‌تری در معماری فراهم می‌آورد و ریشه‌های معنوی از آرای عرفای شیعی که در فضای بینابینی مساجد صفوی باز نمود یافته را توصیف می‌کند.

بر اساس روش دلفی فازی در مرحله نخست پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خبرگان، نتایج آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مولفه‌های زیر به عنوان مولفه‌هایی در تعریف محدوده‌ی بینابین و مراتب آن در معماری موثرند. همچنین مدل ساختاری نیز نشان داد که شاخص‌های برازش مطلوب هستند.

تفکر بینابینی ابتدا از اعتقاد به سلسله مراتبی بودن جهان هستی و سپس وجود حلقه‌های واسط میان مراتب مختلف سرچشمه می‌گیرد. همچنین از دیدگاه اندیشه و عرفان اسلامی، وجود سلسله مراتب میان عالم‌های متعدد امری بدیهی بوده و ارتباط میان عوالم مختلف از طریق واسط‌ها صورت می‌پذیرد. این واسط‌ها علاوه بر وظیفه ارتباط، نقش تکاملی خود را پس از دریافت از طریق تفسیر، تغییر و تبدیل ایفا می‌کند. راه رسیدن به «باطن، معنا، راز و جهت‌مداری» که در گرو آگاهی به عالم مقولات است از «درون» می‌گذرد. «جهان محسوس از آنچه اندیشمندان گذشته به آن می‌اندیشیدند، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، اما در مورد عالم معقول، وضع به گونه‌ای دیگر است و به آسانی نمی‌توان از گسترش آن سخن به میان آورد؛ زیرا عالم معقول، عالم وحدت و یگانگی است و از طریق درون می‌توان به آن راه پیدا کرد. در حالی که جهان محسوس، جهان کثرت و چندگونگی است و تنها از طریق حواس ظاهری که به بیرون می‌نگرد، ارتباط با آن ممکن می‌شود». راه درون جهت دست‌یافتن به مراتب معنا، زمان بر و نیازمند حوصله است که با تعریف بشر امروزی از خود بر اساس آنچه در بالا اشاره شد، سازگار نیست؛ لذا نهایتاً به ساحت مقولات اهمیت نمی‌دهد؛ نهایتاً خوانش گذر و بینابینی در مراتب ظاهری باقی می‌ماند و به یک چهارچوب در یا عبور از یک جزء ساختمانی تنزل پیدا می‌کند. بنابراین بود و نبودش فرقی ندارد. اکتفا کردن به مراتب ظاهری بینابینی، اهمیت مفهوم جدایی، گذار و پیوند در محدوده‌های مکانی کم کرده و آگاهی از گستره‌ی معنایی و وجود استعلایی این امر ضروری در معماری را از یاد برده است. از آن‌جا که مفهومی بنیادین

همچون "بینابینی" بی‌اهمیت پنداشته شده و تنها به مفاهیم ظاهری آن پرداخته شده است، این تحقیق در پی آن است که با تاکید بر جنبه‌های معنایی موضوع، مطابق با "سلسله مراتب" وجود آدمی، به "درون معماری" بپردازد. تعادل میان "مبدأ و مقصد"، "ظاهر و باطن"، "انفصال و اتصال" و "درون و بیرون"، از نتایج پرداختن به فضای بینابین در معماری است که عدم توجه به آن، این دوگانه‌های مهم و اساسی در معماری را نابسامان می‌کند.

در یک نظام مرتبه‌ای، هم راستا با مراتب وجود آدمی در عالم هستی به مانند بستری برای تحقق عالم معماری، می‌توان مراتب "بینابینی" را مشاهده کرد. این مراتب که با توجه به مفاهیمی چون "مرتب" و "حرکت" زیر مجموعه‌ی نگره‌های حکمی و عرفانی با اندیشه‌ای وحدانی، روشن گردید؛ مراتب بینابین را در سه مرتبه‌ی جسم، روان و جان معماری مورد بررسی قرار داده و در سه ساحت ظاهر، باطن و حقیقت به صورت معنا و جوهر "در بین بودن" می‌پردازد. لذا جهت دستیابی به حقیقت این امر کیفی در معماری یک سلسله مراتب طولی در نظر گرفته شده است تا بتواند معانی صرفاً ظاهری را پوشش دهد. مراتب گذار در معماری با تاکید بر "تا" در گزاره "از این جا تا آن جا" که به شکلی استدلالی آمده است، به ترتیب "انتقال، دریافت/تفسیر، تحول/حضور" تعریف می‌شوند؛ به عبارتی دیگر یک ناحیه‌ی انتقالی معماری در مرتبه‌ای کامل‌تر جایی برای "متحول شدن" و در وجوه متعالی‌تر مکانی برای "حضور" در نظر گرفته می‌شود. بنابراین تجربه‌ی بینابینی در معماری تنها گذر از یک فضا تا فضای دیگر نیست، این گستره‌ی معنایی انفصال و اتصالی حقیقی را به همراه دارد.

## منابع و مأخذ

- اردلان، نادر، و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). **حس وحدت، سنت عرفانی در معماری**، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک
- الهام پرویزی، بمانیان، محمدرضا، و صالحی، مهدی. (۱۳۹۱). جایگاه هویت شیعی در معماری عصر صفوی، **مجله علمی پژوهشی کتاب ماه هنر**، (۱۶۵)، ۱۸-۲۵.
- انصاری، مجتبی،، اخوت، هانیه‌السادات، و ملایی، معصومه. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر عقاید مذهب شیعه بر ارتباطات فضایی مساجد شیعی، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، ۸(۲۳).
- بلیان اصل، لیدا، اعتصام، ایرج، و اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۹۰). نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران، **مجله علمی پژوهشی هویت شهر**، ۵(۸)، ۷۱-۵۹

- بمانیان، محمدرضا، و نیکودل، فهیمه. (۱۳۹۳). بررسی انواع نورگیری و روش‌های تامین نور در مساجد دوره قاجار، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۳)، ۶۰-۷۴.
- بمانیان، محمدرضا، و نوریان، یحیی. (۱۳۹۲). بررسی سطوح تقارن در معماری در بستر شهر اسلامی- ایرانی، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز
- بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال، و صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹). بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱(۳۱).
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۵). تأویل معماری مسجد با تاملی در مناسک حج مسجد مکان معراج مؤمنین، مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۱-۴۰.
- پرتویی، پروین (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان، چاپ اول، فرهنگستان هنر، تهران
- پرنیان‌خوی، مهناز، و جزیری، علیرضا. (۱۳۹۴). بایسته‌های مذهبی در مفهوم سلسله مراتب مساجد صفوی (امام اصفهان، جامع مهاباد). دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی، ۲۶ آذر ۱۳۹۴، اردبیل، اداره کل تبلیغات اسلامی استان اردبیل و کانون فرهنگی تبلیغی مناجات اردبیل
- پورجعفر محمدرضا (۱۳۷۶). نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهر اسلامی، اولین همایش بین‌المللی معماری مسجد، دانشگاه هنر، ایران، اصفهان
- تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹). ارزیابی نقش مساجد در ارتقا کیفیت محیط : مطالعه موردی مسجد امیر تهران، دو فصلنامه مدیریت شهری، ۲(۲).
- توکلی، رءوف (۱۳۶۱). چهار امام اهل سنت و جماعت، انتشارات مولف، چاپ ۱
- تی. هال، ادوارد (۱۳۸۵). بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران؛ دانشگاه تهران
- حسینی، مجید و فرشاد مفاخر (۱۳۹۶). پایداری اجتماعی در اصول معماری اسلامی، چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایداری و تاب‌آوری از آرمان تا واقعیت، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، قزوین، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- حیاتی، حامد و علی اسدزاده مقدم و فاطمه رادفر (۱۳۹۴). نقش جلوخان در پیوند مساجد با فضای شهری، اولین همایش علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران ۲۶ و ۲۷ مرداد ۱۳۹۴

- دانشمند، سارا و عبدالحمید نقره‌کار (۱۳۹۲). چگونگی طراحی ورودی با توجه به اصول شکل‌گیری معماری آستانگی، مجله علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی (ISC). (۱۱)، ۷۹-۹۰.
- دباغ، امیرمسعود و سید مصطفی مختاباد امرئی (۱۳۹۳). چارچوبی نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر، فصلنامه علمی- پژوهشی نقش جهان، ۴(۲)، ۲۹-۴۲.
- زرگر، اکبر و دیگران (۱۳۸۶). راهنمای معماری مساجد، تهران، نشر دید
- سلطان زاده، حسین (۱۳۹۰). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
- صدیق اکبری، سحر، ماجدی، حمید، و سعیده زرآبادی، زهراسادات. (۱۳۹۶). دیالکتیک ادبیات، معماری و نجوم، در بازشناسی فضاهای بینابینی معماری معاصر، کنفرانس ملی کاربرد فناوری‌های نوین در علوم و مهندسی، برق و کامپیوتر و IT، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶، تهران، دانشگاه ایوانکی
- طبسی، محسن، و فاضل نسب، فهیمه. (۱۳۹۱). بازشناسی نقش و تاثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، ۱۷(۳)، ۸۱-۹۰.
- عباسیان همدانی، فهیمه، و دانشگر مقدم، گلرخ. (۱۳۹۳). بررسی حس مکان در مساجد معاصر با طرح سنتی و نو، مطالعات محیطی هفت حصار، ۳(۹)، ۱۳-۲۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). مسجد و مدرنیته: مروری بر تحلیل و جامعه‌شناسی به گفتمان‌های مسجد در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، تهران
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۲(۲)، ۳۵-۴۲.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۶(۲)، ۵۷-۶۶.
- قربانی، افشین و محمد رضا بمانیان و سیامک پناهی (۱۳۹۴). نقش فضای بینابین در سازماندهی معماری اسلامی ایران، اولین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی نوین، ۲۰ اسفند ۱۳۹۴، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی

- قوچانی، محیا و فرهاد فتحیه (۱۳۹۶). بازآفرینی نقش حیاط مساجد به عنوان فضای باز عمومی در ایجاد پایداری اجتماعی، سومین کنفرانس جامع مدیریت شهری ایران با رویکرد زیرساخت‌ها، خدمات و توسعه پایدار شهری، ۲۵ و ۲۶ دی ۱۳۹۶، تهران
- کاظمی، مهروش، و حسین زاده، ایوب. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نقش و جایگاه ورودی در مساجد کهن ایرانی و مساجد معاصر، دومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و مدیریت بحران
- کریر، راب (۱۳۸۰). تناسبات در معماری، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان
- کمالی، فاطمه، و سرایی، احمد. (۱۳۸۱). مسجد از فرق اسلامی، پرستشگاه در عهد تجدد و سنت (جامعه‌شناسی نهادهای دینی). تدوین عمادالدین باقی، تهران، انتشارات سرایی
- کورت گروتز، یورگ (۱۳۸۵). زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- گلستانی، نفیسه، میری، سمیرا، و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۵). جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل‌گیری و تقویت قرارگاه رفتاری (مقایسه تطبیقی نمونه موردی مسجد وکیل و مسجد الزهرا در شیراز)، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، ۴۳(۲)، ۵۱۵-۵۳۳.
- متدین، حشمت الله (۱۳۸۱). مسجد چهار ایوانی، فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، ۴۸-۴۷، (۶).
- محمدیان، منصور (۱۳۸۶). سلسه مراتب محرمیت در مساجد ایرانی، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۹(۲)، ۵۹-۶۸
- مددپور، محمد (۱۳۷۴) تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مرتضوی، حسن و محمدرضا بمانیان، مجتبی انصاری (۱۳۹۵). ارزش‌های معنایی فضاهای بینابین در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴(۲)، ۵۶-۷۵.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و محمد مشایخی و منیره بهرامی (۱۳۹۳). الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۵)، ۳-۱۹.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، و مشایخی، محمد. (۱۳۸۹) بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی - اجتماعی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۵(۵)، ۶۵-۷۸.

- مهدی نژاد، جمال‌الدین، سراپدار منصور، عارفه، و زلفی، سعید. (۱۳۹۶)، آسیب شناسی حریم مساجد تاریخی مبتنی بر حس تعلق به مکان، دومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و طراحی شهری، ۹ شهریور ۱۳۹۶، دبیرخانه دائمی کنفرانس و دانشگاه Kasem Bundit، شهر بانکوک، دانشگاه Kasem Bundit
- نصر، سید حسین (۱۳۸۷). هنر دینی هنر سنتی هنر مقدس، مجموعه مقالات راز و رمز هنر دینی، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران
- نوایی، کامبیز، و حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰). خشت و خیال (شرح معماری اسلامی ایران). انتشارات سروش، تهران، با همکاری دانشگاه شهید بهشتی
- واحد دهکردی، شکوفه، و حمزه نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). تفاوت‌های بینشی و مناسکی دو مکتب شیعه و اهل سنت به ویژه حنفا و تبلور آن‌ها در مسجد گذشته و امروز، اولین کنفرانس ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، تهران، موسسه بین‌المللی ایرانیان و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
- هواشمی، عباس، و پناهی، سیامک. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر فضای بینابین در سازمان‌دهی فضایی معماری، اولین کنفرانس ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، تهران، موسسه بین‌المللی ایرانیان و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

## References

- Altman, I. (1975). Environment and Social Behavior. Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Canter, D. (1971). The Psychology of Place. London: The Architectural Press.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). The Social Logic of Space. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nooraddin, H. (1966). Al Fina`A study of "in-between" spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the Middle East with a case study in Cairo. Department of Town and Regional Planning, Faculty of Architecture, Trondheim-Norway.
- Norberg-Schulz, C. (1965). Intentions in Architecture.
- Norberg-Schulz, C. (1980). Genius Loci: Towards a New Phenomenology of Architecture. London: Academy Editions.
- Rapaport, A. (1977). Human Aspects of Urban Form. New York: Pergamon.
- Rapoport, A. (1990). The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach. Tucson: University of Arizona Press.

- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22, 347-358.
- Stedman, R. (2002). Toward a social psychology of place: Predictive behavior from place-based cognitions, attitudes, and identity. *Environmental Behavior*, 34, 561-581.
- The Metapolis dictionary of advanced architecture (city, technology and society in the information age). (2003). Printed and assembled in European Union, Barcelona.
- Tschumi, B. (1975). The Architectural Paradox. In K. Michael Hays (Ed.), *Architectural Theory Since 1948* (pp. 199-213). Cambridge: MIT Press.